

ماندگاری جوانان، کار آفرینی و اشتغال پایدار در مناطق روستایی شهرستان اهر

علی قاسمی اردهایی^۱، رضا نوبخت^{۲*} و نیره رستمی^۳

تاریخ دریافت: ۶ آذر ۱۳۹۵ تاریخ پذیرش: ۳۱ خرداد ۱۳۹۶

چکیده

توسعه پایدار روستایی از محورهای مورد توجه برنامه‌ریزان روستایی است که یکی از ملزومات آن، وجود جوانان در مناطق روستایی است. بر این اساس، هدف اصلی مقاله شناخت عوامل فردی (شغل و مهارت‌های شغلی) و زیرساختی (امکانات و زیرساخت‌ها) مؤثر در نگهداشت جوانان در مناطق روستایی است. با استفاده از روش پیمایش از ۵۴۹ جوان ۱۵ الی ۳۰ ساله ساکن در ۲۷ روستای شهرستان اهر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای اطلاعات جمع‌آوری شده است. نتایج آزمون-های آماری دو متغیره و مدل‌سازی چند سطحی (HLM) نشان می‌دهد، جوانان روستایی تمایل چندانی برای ماندن در موقعیت‌های روستایی ندارند. از عوامل فردی مؤثر در این عدم تعلق به روستاها می‌توان به سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، ارتباط با خویشاوندان در شهر و نیز وضع اشتغال و نوع مهارت شغلی اشاره نمود. افرادی که از سرمایه انسانی بالاتری برخوردارند و در عین حال بیکار و دارای مهارت‌های فنی و ساختمانی و غیرکشاورزی هستند، تمایل به ماندگاری‌شان در روستاها کمتر است. همچنین، جمعیت زیاد در روستا و وجود امکانات و تسهیلات رفاهی بیشتر در روستا به‌عنوان عوامل زیرساختی، در کاهش تمایل جوانان به ترک روستا مؤثر است. با توجه و اهمیت قائل شدن به سرمایه انسانی نیروهای جوان روستایی و توسعه امکانات و تسهیلات رفاهی و مهارت‌های کشاورزی جدید در نقاط روستایی کم‌جمعیت، می‌توان گام‌های اولیه را در ایجاد توسعه پایدار روستایی برداشت.

کلمات کلیدی: مناطق روستایی، توسعه روستایی، تحلیل سلسله مراتبی، ماندگاری جوانان، سرمایه انسانی.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

۲- مربی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور.

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه پیام نور

*- نویسنده مسئول: (rznobakht@gmail.com)

مقدمه

در ایران طی سه دهه اخیر، سالانه به‌طور متوسط حدود یک میلیون نفر در داخل مرزها جابجا شده‌اند که این امر نشان از پایداری مهاجرت‌های داخلی به‌عنوان یک واقعه جمعیتی - اجتماعی مهم و تأثیرگذار است که با سایر حوزه‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور، تعاملات پیچیده‌ای دارد. استان آذربایجان شرقی به‌عنوان مهاجرپرست‌ترین منطقه ایران تا سال ۱۳۸۵، در دوره پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ از میزان مهاجرفرستی به نسبت پایین‌تری برخوردار بوده است (قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲). با این وجود، تفاوت‌های کیفی مهاجران روستا - شهری در استان آذربایجان شرقی (از لحاظ ساختار سنی، تحصیلات، جنس و وضع اشتغال) در مقایسه با اشکال دیگر مهاجران به‌ویژه مهاجران شهر-روستا (راغفر و قاسمی اردهایی، ۱۳۸۸)، نقش مهاجرت‌های روستا - شهری را در زمینه اثرگذاری بر سطح توسعه مناطق روستایی پر اهمیت می‌نماید. از آنجاکه این مهاجران در مقایسه با مهاجران شهر به روستا بیشتر در دامنه سنی ۳۴-۲۰ سالگی (همان) یعنی سن فعالیت، تحصیل و ازدواج قرار دارند، تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی آن بر مناطق روستایی (مبدأ مهاجران) قابل توجه است. اهمیت مهاجرت‌های روستا - شهری در آذربایجان شرقی زمانی دو چندان می‌گردد که مشخص گردیده است بخش قابل توجهی از مهاجران شهر به روستا به‌صورت اجباری (انجام و پایان خدمت وظیفه و پایان تحصیل) به مبدأ خود برگشته‌اند و سهم مهاجران کاری کمتر است.

از جانب دیگر، التزام کشورهای در حال توسعه به حفظ و نگهداشت جوانان روستایی در مناطق روستایی و اشتغال آن‌ها به کشاورزی، فرصت‌های محدودی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. درحالی‌که عواملی چون تحصیلات، رسانه‌ها و گردشگری روستایی منجر به ارتقای سطح آرزوها و تمایلات جوانان روستایی و افزایش فاصله آن‌ها با فرصت‌های موجود در روستا گردیده و نتیجه احتمالی آن مهاجرت به سمت شهرها خواهد شد (سومبرگ، ۲۰۰۶). پژوهش‌های انجام گرفته (طاهرخانی، ۱۳۸۰؛ قاسمی اردهایی، ۱۳۸۵) نشان می‌دهند علل مهاجرت روستائیان در چهار بعد عمده اقتصادی، فرهنگی، جمعیت‌شناختی و محیطی قابل دسته‌بندی هستند و در بین عوامل اقتصادی، شغل مهاجران (راغفر و قاسمی اردهایی، ۱۳۸۸) مؤثرترین تبیین‌کننده است. از این‌رو، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب در روستاها با توجه به علایق و مهارت‌های جوانان ساکن در آن‌ها، به افزایش تمایل به ماندگاری آن‌ها در مناطق روستایی منجر خواهد شد. مشخص است که سرمایه‌گذاری در زمینه کارآفرینی مناطق روستایی بدون وجود نیروی جوان خلاق و کارآفرین در روستاها بی‌حاصل خواهد بود؛ بنابراین، جوان روستایی به‌عنوان مهم‌ترین محور و محرکه کارآفرینی روستایی می‌تواند تلقی گردد. درخصوص اهمیت نیروی انسانی ماهر، ادوارد دانشن (شعبانلو، ۱۳۸۰) از کارشناسان اقتصاد آمریکا در تحقیقی راجع به عوامل مؤثر بر پیشرفت صنعتی کشورها بیان داشته از میان ۳۱ عامل مؤثر در امر پیشرفت صنعتی، مهم‌ترین عامل پرورش نیروی انسانی متخصص است. به نظر وی پیشرفت نیروی انسانی مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی و پیشرفت تحقیقات و علوم عامل دوم در رشد اقتصادی است.

اشتغال‌زایی و کارآفرینی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاران در امر توسعه پایدار مناطق روستایی است. کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی، تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، کیفیت زندگی روستائیان را بهبود می‌بخشد

و موجب توزیع مناسب درآمد و ایجاد تعادل منطقه‌ای می‌شود. کارآفرینی پیش‌زمینه‌ای اساسی برای ارتقای سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و رفاه در روستا بوده و سبب کاهش پدیده مهاجرت از روستاها (طاهرخانی، ۱۳۷۹؛ میرزا امینی، ۱۳۸۰؛ سعیدی‌کیا، ۱۳۸۵) می‌گردد. مطالعات انجام گرفته (طاهرخانی، ۱۳۸۰؛ قاسمی اردهایی، ۱۳۸۵؛ راغفر و قاسمی اردهایی، ۱۳۸۸؛ علوی‌زاده و میرلطفی، ۱۳۹۲) عدم ماندگاری روستائیان و تمایل به مهاجرت از روستا را به عواملی مانند؛ ضعف بنیان‌های اقتصادی مهاجران در مبدأ و نیز فرصت‌های شغلی بهتر برای مهاجران روستایی در شهر مرتبط می‌دانند. حال اینکه ویژگی‌های ساختاری و محیطی روستاها همانند تعداد جمعیت، نزدیکی و دوری روستا به شهر، وجود تسهیلات و امکانات رفاهی همانند گاز، آب لوله‌کشی، مدرسه، درمانگاه و غیره در روستا می‌توانند در نگاه‌داشت جمعیت (از جمله جوانان) روستاها مؤثر باشند.

مقاله حاضر بر این متمرکز است که عوامل فردی و عوامل محیطی - منطقه‌ای آیا به صورت مجزا می‌توانند تحلیل دقیقی از نیات مهاجرتی جوانان روستایی ارائه دهند؟ بر این اساس، تمایل به ماندگاری جوانان در روستاها باتوجه به عوامل فردی یا متغیرهای جمعیت شناختی با تأکید خاص بر شغل و مهارت‌های شغلی آنان، سن، تحصیلات و ویژگی‌های روستا یا متغیرهای زیرساختی مانند (جمعیت، فاصله تا شهر، امکانات و زیرساخت‌های روستایی) به‌وسیله مدل‌های دو سطحی سلسله مراتبی تحلیل گردید.

نظریه سرمایه انسانی که در دهه‌ی ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت بکار گرفته شد، از دیدگاه برخی تحلیل‌گران برای تحلیل مهاجرت نیروی انسانی ماهر بسیار مناسب شناخته شد. این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به‌عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می‌پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی ماهر برای دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد؛ بنابراین، تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت، به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (ارشاد، ۱۳۸۰). طبق این دیدگاه، مهاجران بیشتر از جوانان بوده و آن‌ها عمر مورد انتظار بیشتری در بازگشت سرمایه انسانی-شان دارند و در مبدأ سرمایه‌گذاری کمتری بر روی سرمایه اجتماعی انجام داده‌اند.

پس در این چارچوب مهاجرت به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود که معانی چندی از آن استخراج می‌گردد:

الف) جوانان به دلیل اینکه دوره زندگی طولانی‌تری جهت جمع‌آوری سرمایه اولیه دارند، نسبت به سالخوردگان سود بیشتری را از مهاجرت به‌دست می‌آورند.

ب) باتوجه به سرمایه‌گذاری بیشتر بر روی تحصیلات افراد، زمانی که شرایط اقتصادی در یک منطقه‌ای بدتر باشد، معمولاً افراد دارای تحصیلات بالاتر فرصت‌هایی را در بازار کار دورتر جستجو خواهند کرد (پسینو^۱، ۱۹۹۱). در کل، طبق این نظریه کسانی که جوان بوده و دارای منابع اقتصادی و اجتماعی بهتری هستند، به احتمال زیاد مهاجرت

کرده و وضعیت خودشان را بهبود خواهند بخشید.

به لحاظ مدل اقتصادی، بیلز بارو مهاجرت را نوعی انتخاب فردی تلقی می‌کند. از نظر وی افراد زمانی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که انتظارات جهت کسب منافع اقتصادی بر هزینه‌های آن پیشی گیرد. مطابق با این دستورالعمل، مهاجرت ممکن است به عنوان ذهنیتی تلقی گردد که فرد در جهت کسب منافع بیشتر بدان می‌پردازد. لذا در این بینش ویژگی‌های فردی چون سن، جنس، جنبه‌های مادی، سطح آموزش و نوع شغل می‌توانند در ایجاد انگیزه برای مهاجرت مؤثر واقع شوند (بیلز بارو، ۱۹۹۶). در این نظریه، مهاجرت امری فردی است و افرادی که دارای بیشترین میزان سرمایه اقتصادی هستند در جهت تثبیت موقعیت خود اقدام به مهاجرت می‌کنند. رفتار انسان‌ها تابعی از انتظارات و ارزش‌هاست، اگر انتظارات جوانان در روستاها برآورده نشود تمایل به ماندگاری آن‌ها در روستا کاهش می‌یابد.

مطابق با مدل ام لو^۱ که به نام «نظریه عمل مدلل» نام‌گذاری شده است، تصمیم‌گیری برای مهاجرت از سه جزء اساسی تشکیل می‌شود:

(۱) گرایش به مهاجرت تابعی از سطح انتظارات ارزشی فرد است. چنین گرایشی از این واقعیت نشات می‌گیرد که منافع مهاجرت ممکن است از هزینه‌های آن پیشی گیرد.

(۲) هنجارها و اعتقادات فرد مهاجر از مجموعه بهم تنیده‌ای به نام شبکه‌ها و قراردادهای اجتماعی شکل می‌یابد.

(۳) اقدام به مهاجرت همواره تابعی از درک موانع موجود است.

از دیدگاه لاو، مهاجرت ابزاری است در جهت حصول به اهداف ارزشی و از دلایل آن می‌توان به فشارهای موجود در سکونتگاه‌های روستایی به دلیل عدم تطابق بین نیازهای فرد مهاجر و امکانات موجود اشاره نمود. دی جونگ^۲ در طرح‌ریزی مدل عمومی برای تصمیم‌گیری به مهاجرت هفت مفهوم را مناسب تشخیص داده است. این مفاهیم شامل توقعات و ارزش‌ها، هنجارهای خانوادگی، نقش‌های جنسیتی، رضایت از محل اقامت، شبکه‌های مهاجرت، فشارها و تسهیل‌کننده‌ها می‌باشد (دی جونگ، ۲۰۰۰). طبق مطالعات اسپیر^۳، رضایت از محل زندگی مهم‌ترین مؤلفه مهاجرت یا عدم مهاجرت روستائیان است و بر مبنای نظریه شکل گرفته، رفتار فرد تابعی از انتظارات، گرایش‌های فکری و هنجارهای ذهنی است (طاهرخانی، ۱۳۸۱). آر. پل شاو^۴ به تبیین ارزش‌های فردی و سطح انتظارات فرد از جامعه و مکان مورد سکونت آن می‌پردازد و معتقد است ارزیابی فرد مهاجر از وضعیت سکونتگاه خویش از عوامل اساسی تصمیم‌ساز برای مهاجرت است. (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۱).

مطابق با تئوری محرومیت‌نسبی، اشخاص ممکن است در نتیجه مقایسه موقعیت خود نسبت به گروه مرجع

1- M.Lu
2- Dejong
3- Spear
4- R.Pol Shaw

احساس محرومیت کرده و دست به مهاجرت بزنند (استارک و بلوم^۱، ۱۹۸۵). خلاصه نظریه این است که در صورت مساوی بودن شرایط، محرومیت از نیل به هدف‌هایی که با ارزش‌تر هستند، بیش از محرومیت از هدف‌هایی که ارزش کمتری دارند در تمایل و تصمیم‌گیری به مهاجرت مؤثرند. مهاجرت پاسخ نهایی به محرومیت نسبی است. در واقع وقتی فرد نتواند به هدف‌های با ارزش در داخل سازمان موجود دست یابد و احساس کند که منابع لازم برای رفع محرومیت‌هایش در خارج از سازمان اجتماعی وجود دارد، در آن صورت مهاجرت می‌کند (ارشاد و حزباوی، ۱۳۸۴). مطالعات استارک و همکاران^۲ (بی‌هانداری^۳، ۲۰۰۴) نشان‌دهنده آن است که افرادی که احساس محرومیت بیشتری دارند در مقایسه با هم‌تاهای خود تمایل بیشتری به مهاجرت دارند.

«بررسی انگیزه روستاییان به منظور ماندگاری در روستا» عنوان تحقیقی است که توسط رضایی و همکاران در سال ۱۳۹۲ انجام گرفته است. در این مطالعه سعی بر آن شده تا دلایل انگیزشی ماندن ساکنین روستای قطرویه روی ۲۳۰ نفر از ساکنین این مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای سن، وضعیت اقتصادی و نوع زمین بر روی انگیزه ماندن در روستا اثرگذار بوده‌اند. همچنین یوسف نیا (۱۳۸۵) با «بررسی ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی ماندگاری جوامع در روستا» به این نتیجه رسیده است که عوامل اجتماعی-اقتصادی بر ماندگاری جوانان در روستای مورد مطالعه مؤثر هستند.

علوی‌زاده و میرلطفی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش اقتصاد غیر زراعی بر ماندگارسازی روستاییان در مناطق روستایی شهرستان سمیرم» به بررسی رابطه بین میزان پرداختن به فعالیت‌های غیر زراعی و ماندگاری پرداخته‌اند و مواردی چون نرخ رشد جمعیت، درآمد، اشتغال، کیفیت زندگی و تمایل به ماندن در روستا در بین ۴۲۳ خانوار روستایی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به‌دست آمده حاکی از برتری خانوارهای فعال در بخش غیر زراعی نسبت به سایر خانوارهای روستایی در ارتباط با مقولات مورد بررسی است. به بیان دیگر این خانوارها از درآمدهای بالاتر، کیفیت زندگی مطلوب‌تر، رضایت از زندگی بیشتر و تمایل به ماندگاری بالاتر در روستا نسبت به گروه دیگر برخوردار بوده‌اند.

«تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی به شهر» عنوان مطالعه‌ای است که توسط غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۸۹) انجام گرفته است. این مقاله بر آن است تا برخی از علل مهاجرت جوانان روستایی به شهر را در روستای صادق آباد از توابع استان چهارمحال و بختیاری ریشه‌یابی نماید. این تحقیق روی یک نمونه ۲۳۵ نفر از جوانان روستایی انجام گرفته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین میزان مهاجرت و اشتغال (جستجوی کار)، دستیابی به امنیت شغلی، درآمد و کار بهتر، دستیابی به امکانات تفریحی - ورزشی، دستیابی به تسهیلات آموزشی و کثرت امکانات در شهرها وجود دارد.

1- Stark and Bloom

2- Stark et al

3- Bhandari

لنگرودی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «تعیین راهبرد مناسب بر ماندگاری جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی دهستان سلوک شهرستان هشترود)»، با استفاده از ابزار تحلیلی مبتنی بر تکنیک SWOT، به بررسی نقاط ضعف و قوت داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارج از عرصه سکونتگاه‌های روستای مورد مطالعه پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که می‌توان از طریق توسعه کارآفرینی و نیز رویکرد مشارکتی به برنامه‌های توسعه روستایی، ضمن تقویت روحیه و بسط انگیزه، زمینه امیدواری در روستاها را فراهم آورد تا از این طریق پایه‌های ماندگاری در روستا را فراهم نمود.

بنابراین، در گرایش به ماندگاری جوانان در روستاها عوامل متعددی اعم از فردی و محیطی می‌توانند دخیل باشند. طبق نظریه‌های سرمایه انسانی رفتار انسان‌ها تابعی از قصد و نیت آنهاست و افراد قبل از اقدام به انجام رفتار، معمولاً وضعیت مطلوب و موجود را ارزیابی نموده و بعد آن را عملی می‌نمایند. جنس، سن، وضع اشتغال جوانان و حتی نوع شغل آنان دیدگاه‌های متفاوتی را در آن‌ها به وجود می‌آورد. جوانانی که مهارت، دانش، استعداد و علم لازم در زمینه انجام کاری را دارند، در مقایسه با دیگران ارزیابی متفاوتی از وضعیت موجود و مطلوب خواهند داشت. طبق نظریه‌های ذکر شده افراد زمانی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که انتظار آن‌ها جهت کسب منافع اقتصادی بر هزینه‌ها پیشی گیرد و آن‌ها وضع اقتصادی و اجتماعی خود را در مقایسه با دیگران یا مکان دیگر ارزیابی نموده، بعد اقدام به مهاجرت می‌کنند.

لازمه اشتغال‌زایی و کارآفرینی در روستاها، به‌کارگیری صحیح پتانسیل‌های انسانی و مادی موجود در مناطق روستایی است؛ بنابراین، شناخت ویژگی‌های فردی جوانان ساکن در روستاهای شهرستان اهر (وضعیت اشتغال، نوع شغل، نوع مهارت، تناسب شغل و مهارت، میزان تحصیلات، میزان درآمد)، شناخت ظرفیت‌های موجود در مناطق روستایی (نوع فعالیت اقتصادی مردم روستاها، وضع اقتصادی و درآمد روستائیان و منابع قابل بهره‌برداری)، شناخت نوع نگرش جوانان به زندگی شهری و روستایی برحسب متغیرهای مذکور و ارائه مدل راهبردی جهت ماندگاری جوانان در مناطق روستایی شهرستان اهر، از اهداف مقاله حاضر است.

مواد و روش

این تحقیق به روش پیمایش انجام شده است که با استفاده از دو پرسشنامه (محقق ساخته) اطلاعات موردنظر جمع‌آوری گردید. از آنجایی که در این مطالعه از روش تحلیل سلسله مراتبی استفاده شده است، روستا به‌عنوان سطح دوم تحلیل قرار گرفت و بر این اساس اطلاعات و مشخصات روستاهای شهرستان اهر در پرسشنامه مجزا جمع‌آوری گردید که در آن سؤالاتی در زمینه ویژگی‌های روستا مانند جمعیت، مسافت روستا تا شهر، ویژگی‌های رفاهی و اجتماعی روستا آورده شد که در نهایت داده‌های مورد نظر از ۲۷ روستا جمع‌آوری گردید. پرسشنامه دوم به ویژگی‌های جمعیت شناختی، اقتصادی و اجتماعی جوانان (۱۵ الی ۳۰ ساله) روستایی اختصاص داشت. این پژوهش در مناطق روستایی شهرستان اهر انجام شده است. این شهرستان یکی از شهرستان‌های شمالی استان آذربایجان شرقی است که از شمال به کلیبر، از جنوب به شهرستان هریس، از شرق به شهرستان مشکین شهر، از غرب به شهرستان ورزقان و از شمال شرق به شهرستان تبریز محدود است. شهرستان اهر دارای شش دهستان است و جمعیت روستایی آن ۵۳۰۵۸

نفر است. با استفاده از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای و با تأکید بر موقعیت جغرافیایی، دوری و نزدیکی به شهر، ساخت سنی جوان و تحلیل کرده، خوشه های مورد نظر انتخاب گردید. با توجه به این ملاک ها، ۲۷ روستا که در شش دهستان پراکنده بودند، انتخاب گردید. ۵۷۰ جوان ۱۵-۳۰ ساله به عنوان نمونه از بین این تعداد روستا، به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده اند. برای گردآوری اطلاعات از این افراد، از پرسشنامه محقق ساخته بهره گرفته شد. لازم به ذکر است که تعدادی از پرسشنامه ها به دلیل اطلاعات ناقص حذف گردیده و تحلیل نهایی روی ۵۴۹ نفر انجام شد.

مدل سازی چند سطحی تکنیک آماری است که با هدف گسترش و اصلاح مشکلات تکنیکی و تئوریک رگرسیون چند متغیره گسترش یافته است. به عبارت بهتر، مدل سازی چند سطحی در شرایطی که داده ها، سلسله مراتبی و خوشه ای باشند مورد استفاده قرار می گیرد (رادنبوش و بریک^۱، ۲۰۰۲). سلسله مراتبی بودن داده ها به این اشاره دارد که داده ها در دو سطح متفاوت (فردی و روستایی، فردی و یا استانی، فردی و محله ای) جمع آوری می گردد؛ بنابراین، تکنیک مورد نظر با در نظر گرفتن سطوح مختلف و اثرگذاری همزمان آن ها بر متغیر وابسته تحلیل دقیق تری از تغییرات متغیر وابسته ارائه می نماید. این تکنیک با این فرض که ویژگی های فردی در درون ویژگی های روستا یا شهر (سطح دوم) آشیانه می شوند، توانایی ارائه تحلیلی دقیق تر از رفتارها را ارائه می دهد. در این تکنیک با توجه به نوع متغیر وابسته از تحلیل چند سطحی لجستیک یا رگرسیون عادی استفاده می کند. از آنجایی که متغیر وابسته مطالعه حاضر فاصله ای است، از تکنیک دوسطحی عادی استفاده شده است. عوامل مؤثر در تمایل به مهاجرت از روستا در قالب دو سطح عوامل فردی و عوامل ساختاری مدل سازی شده اند. فرض اساسی این است که علاوه بر عوامل سطح فردی همچون وضع تأهل، مهارت شغلی، تحصیلات و سن، عوامل ساختاری همچون فاصله از شهر، امکانات ساختاری و رفاهی روستا و تعداد جمعیت روستا نیز در گرایش به مهاجرت جوان روستایی مؤثر است.

نتایج و بحث

طبق نتایج به دست آمده، سن پاسخ گویان از ۱۵ الی ۳۰ سال است که بیشتر آنان در گروه سنی ۱۹-۲۲ سال قرار گرفته اند. ۶۶ به لحاظ وضعیت تأهل، ۶۶ درصد پاسخ گویان متأهل و ۳۴ درصد مجرد بوده است. تحصیلات پاسخ گویان در مقاطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی، دبیرستان، دیپلم و لیسانس و بالاتر گزارش شد که در این میان نزدیک به ۷۳ درصد دارای مدرک متوسطه و بالاتر بود. محل تحصیل ۵۴ درصد پاسخ گویان شهر و محل اشتغال ۷۳ درصد روستای محل سکونت یا روستای دیگر است. به لحاظ شغل، ۴۳ درصد در امر تحصیل یا خدمت سربازی مشغول بوده و ۲۴ درصد بیکار جویای کار هستند.

در جدول ۲ تمایل پاسخ گویان به ماندن در روستا با توجه به متغیرهای اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی نشان داده شده است. ارتباط متغیر سن با تمایل به ماندگاری در روستا بیان می دارد اکثریت پاسخ گویان در گروه های سنی مختلف تمایلی به ماندن در روستا ندارند و به نظر می رسد احتمال مهاجرت آن ها بیشتر است. ضریب همبستگی وی-

کرامر ارتباط معنادار سن و تمایل به ماندن در روستا را نشان می‌دهد، بطوریکه احتمال ترک روستا در گروه‌های سنی پایین‌تر بیشتر از گروه‌های سنی بالاتر است زیرا در گروه‌های سنی پایین‌تر درصد بالاتری از افراد تمایلی به ماندن در روستا نداشته‌اند. متغیر تحصیلات نشان می‌دهد ۶۵٪ افراد که دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی هستند تمایلی به ماندن در روستا ندارند، درحالی‌که ۸۰٪ افراد با تحصیلات دانشگاهی به مهاجرت از روستا تمایل دارند. ضریب همبستگی وی کرامر به معنادار بودن رابطه سطوح تحصیلی با تمایل به ماندن در روستا اشاره دارد. رابطه شغل و تمایل به ماندن در روستا بیان می‌دارد که افراد شاغل (۶۲٪) نسبت به بقیه طبقات تمایل کمتری به مهاجرت دارند. بالاترین تمایل به مهاجرت از روستا به افراد محصل، سرباز و دانشجو اختصاص دارد (۷۷٪). افرادی که محل تحصیل و محل اشتغال آن‌ها در شهر است نسبت به کسانی که روستاست، گرایش بیشتری برای مهاجرت از خود نشان می‌دهند.

جدول ۱- توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیرها	مقوله‌ها	تعداد	درصد
سن	۱۵-۱۸	۱۴۶	۲۶/۷۳
	۱۹-۲۲	۱۴۸	۲۷/۱۰
	۲۳-۲۶	۱۲۰	۲۱/۹۷
	۲۷-۳۰	۱۳۲	۲۴/۱۷
وضعیت تأهل	مجرد	۱۸۴	۳۳/۵۳
	متاهل	۳۶۵	۶۶/۴۷
تحصیلات	ابتدایی و راهنمایی	۱۳۹	۲۷/۳۰
	دبیرستان	۱۷۰	۳۳/۳۹
	دیپلم	۱۰۸	۳۱/۳۱
	لیسانس و بالاتر	۹۲	۱۸/۰۷
محل تحصیل	همین روستا یا روستای دیگر	۲۳۵	۴۶/۰۷
	شهر	۲۷۵	۵۳/۹۳
محل اشتغال	همین روستا یا روستای دیگر	۱۳۲	۷۳/۳۳
	شهر	۴۸	۲۶/۶۶
شغل	شاغل	۸۸	۱۶/۲۹
	بیکار جویای کار	۱۳۲	۲۴/۴۴
	محصل، دانشجو، سرباز	۲۳۳	۴۳/۱۴
	سایر	۸۷	۱۶/۱۱

جدول ۳ تمایل به ماندگاری در روستا با توجه به متغیرهای مهارت شغلی جوانان روستایی، مهاجرت آشنایان و میزان رفت و آمد با آشنایان در شهر را نشان می‌دهد. ۸۰٪ از افراد دارای مهارت فنی و ساختمانی و ۶۲٪ و ۷۴٪ از افرادی که دارای مهارت‌های کشاورزی-تجاری و اداری-فرهنگی هستند، تمایلی به ماندن در روستا ندارند. آزمون آماری وی کرامر رابطه معناداری را بین دو متغیر مهارت شغلی و میزان تمایل به ماندن در روستا نشان می‌دهد. اهمیت وجود آشنایانی از جوان روستایی در شهر در تحریک وی جهت ترک روستا، نشان می‌دهد ۷۳٪ از پاسخ‌گویانی

که خویشاوندی در شهر دارند تمایلی به ماندن در روستا ندارند، اما برای پاسخ‌گویانی که خویشاوندی در شهر ندارند ۴۶٪ آن‌ها تمایلی به ماندن در روستا ندارند. همچنین، افرادی که رفت و آمد زیاد یا متوسطی با شهر دارند تمایل کمتری به ماندن در روستا دارند (۲۳٪)، درحالی‌که افرادی که کم یا هیچ رفت و آمدی با شهر ندارند تمایل کمتری نیز به مهاجرت از روستا دارند. می‌توان بیان نمود وجود خویشاوندان و آشنایان در شهر و میزان رفت و آمد روستاییان با شهری‌ها تأثیر زیادی در گرایش روستاییان برای مهاجرت به شهر دارد.

جدول ۲- توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب متغیرهای اجتماعی به تفکیک تمایل به ماندگاری در روستا

متغیرها	تمایل به ماندگاری در روستا		ضرایب همبستگی
	بلی	خیر	
سن	۱۵-۱۸ ساله (۱۴۶)	۲۳/۳	۷۶/۷
	۱۹-۲۲ ساله (۱۴۸)	۲۳	۷۷
	۲۳-۲۶ ساله (۱۲۰)	۲۶/۷	۷۳/۳
	۲۷-۳۰ ساله (۱۳۲)	۳۷/۹	۶۲/۱
وضعیت تأهل	مجرد	۲۲/۲	۷۷/۸
	متاهل	۳۶/۹	۶۳/۱
تحصیلات	ابتدایی و راهنمایی (۱۳۹)	۳۴/۵	۶۵/۵
	دبیرستان (۱۷۰)	۲۷/۶	۷۲/۴
	دیپلم (۱۰۸)	۲۲/۲	۷۷/۸
	لیسانس و بالاتر (۹۲)	۱۹/۶	۸۰/۴
شغل	شاغل (۸۸)	۳۷/۵	۶۲/۵
	بیکار جویای کار (۱۳۲)	۲۸/۸	۷۲/۲
	محصل، دانشجو، سرباز (۲۳۳)	۲۲/۳	۷۷/۷
	خانه‌دار (۸۷)	۲۹/۹	۷۰/۱
محل اشتغال	همین روستا یا روستای دیگر (۱۳۲)	۳۹/۴	۶۰/۶
	شهر (۴۸)	۱۶/۷	۸۳/۳
محل تحصیل	همین روستا یا روستای دیگر (۲۳۵)	۳۲/۸	۶۷/۲
	شهر (۲۷۵)	۲۱/۸	۷۸/۲

**. معنی‌داری در سطح $0.01 < P < 0.001$ * . معنی‌داری در سطح $0.05 < P < 0.1$.

منبع: یافته‌های پژوهش

مهاجرت و در طرف مقابل تمایل به ماندن در مبدأ ارتباط تنگاتنگی با وضعیت اجتماعی، اقتصادی و نیز فرهنگی هر دو جامعه مبدأ و مقصد و نیز ویژگی‌های فردی دارد. از این‌رو، به منظور تبیین دقیق‌تر تأثیرگذاری عوامل مختلف ساختاری و فردی از مدل‌های تبیین چند سطحی لجستیک استفاده شده است. روش‌های خطی سلسله‌مراتبی به منظور بررسی نقش عوامل و متغیرهای زمینه‌ای و سطح کلان بر ضرایب رگرسیونی سطح فردی در تبیین تمایل به ماندگاری جوانان روستایی (تمایل به ماندن و نماندن؛ متغیر وابسته) استفاده می‌شود؛ بنابراین، این روش با دو سطح از اطلاعات انجام می‌گردد. اطلاعات سطح یک یا فردی به‌وسیله پرسشنامه‌ای توسط جوانان روستایی تکمیل گردیده است و اطلاعات سطح دو یا روستا در زمینه ویژگی‌های ساختاری، اجتماعی و اقتصادی روستاهای مورد مطالعه فراهم گردیده است. در سطح یک، متغیرهای وضع تأهل، تحصیلات و مهارت شغلی به‌عنوان متغیر مستقل وارد معادله شده-

اند. از آنجایی که تمامی متغیرهای سطح یک تأثیر معناداری بر متغیر وابسته (تمایل به ماندگاری در روستا) داشتند، در مدل نهایی نیز حفظ شدند و هیچ کدام از متغیرهای این سطح از مدل نهایی کنار گذاشته نشدند. در سطح دو، سه متغیر تأثیرگذار بر تمایل به ماندگاری در روستا (از لحاظ نظری) یعنی جمعیت، فاصله تا شهر و امکانات ساختاری و رفاهی روستا وارد معادله گردید. از سه متغیر وارد شده در مدل، متغیر فاصله تا شهر تأثیر معناداری نداشت و از مدل نهایی کنار گذاشته شد.

جدول ۳- توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب متغیرهای مهارت شغلی و وجود آشنا در شهر به تفکیک تمایل به ماندگاری در روستا

آزمون‌های آماری	تمایل به ماندگاری در روستا		متغیرها
	خیر	بلی	
Cramer, s V = 0.121*	۸۰	۲۰	فنی و ساختمانی (۹۰)
	۶۲/۵	۳۷/۵	کشاورزی و تجاری (۷۲)
	۷۴/۴	۲۵/۶	اداری و فرهنگی (۲۸۵)
Phi = 0.124*	۷۳/۹	۲۶/۱	بلی (۵۱۳)
	۴۶/۴	۵۳/۶	خیر (۲۸)
Cramer, s V = 0.164**	۷۶/۶	۲۳/۴	زیاد (۱۱۱)
	۷۶/۴	۲۳/۶	متوسط (۲۹۲)
	۶۴/۲	۳۵/۸	کم (۹۵)
	۳۶/۴	۶۳/۶	هیچ (۱۱)

** معنی‌داری در سطح $P < 0.01$. * معنی‌داری در سطح $P < 0.05$.

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج برآورد تأثیرات ثابت و تصادفی مدل چند سطحی در جدول ۳ ارائه شده است. یافته‌ها حاکی از تأثیر معنی‌دار ثابت و تصادفی سطح دوم در عرض از مبدأ و شیب خط مدل سطح اول است. مقدار ضرایب -0.70 نشان می‌دهد وضعیت تأهل تأثیر معنی‌دار و منفی بر تمایل به مهاجرت جوانان از روستا دارد. این بدین معنی است که گرایش افراد مجرد برای ماندن در روستا کمتر از افراد متأهل است. متغیر مهارت‌های شغلی با ضریب تأثیر 0.26 بیان‌کننده تأثیر مثبت و معنی‌داری بر گرایش به مهاجرت در میان جوانان است. متغیر تحصیلات (0.26) نیز دارای ضریب تأثیر مثبت و معنی‌دار بر گرایش به مهاجرت است. همچنین متغیرهای سطح دو یعنی تعداد جمعیت روستا (-0.06) و وضع امکانات رفاهی روستا (-0.52) نیز تأثیر معنی‌دار و البته منفی در تمایل به مهاجرت جوانان روستایی دارد؛ یعنی اینکه جمعیت بالا و نیز سطح رفاهی مناسب در روستا تأثیر منفی در گرایش به مهاجرت داشته است. نسبت بخت 0.49 متغیر وضعیت تأهل بیان‌کننده این است که میزان گرایش به مهاجرت در صورت مجرد بودن فرد 0.49 برابر افزایش می‌یابد، نسبت بخت در متغیر تعداد جمعیت بیان‌کننده این موضوع است که با کاهش جمعیت روستا گرایش به مهاجرت $1/3$ برابر افزایش می‌دهد.

معنی‌دار بودن u_0 تا u_4 نشان دهنده تأثیر متغیرهای وضعیت تأهل، تحصیلات و مهارت‌های شغلی بر تمایل به ماندن و یا نماندن جوانان است که در بین روستاهای مختلف تفاوت معنی‌داری دارد. در جدول ۴ ضرایب پایایی بر

اساس B0 تا B4 بین گردیده است. مقدار پایایی عبارت است از نسبت واریانس بین گروهی از کل واریانس. اگر واریانس درون گروهی در مقایسه با واریانس بین گروهی کوچکتر باشد، در نتیجه پایایی بزرگتر خواهد بود و ضرایب رگرسیون سلسله مراتبی قابل اعتمادتر خواهد بود. به عبارت بهتر، بالا بودن میزان شاخص پایایی برای ضرایب تصادفی حاکی از پایایی ضرایب برآورد شده در مدل‌های سلسله مراتبی در مقایسه با برآوردهای معمولی است. همچنان که در جدول ۴ آمده است، مقدار پایایی همه ضرایب تصادفی برآورد شده سطح یک در سطح متوسط و رو به بالایی قرار دارد و این بیانگر پایایی مدل سلسله مراتبی انجام شده در برآورد ضرایب مذکور است.

جدول ۴- نتایج تأثیرات ثابت و تصادفی متغیرهای سطح اول و دوم بر متغیر وابسته

مقدار معناداری	آزمون T	نسبت بخت‌ها	خطای استاندارد	ضرایب تأثیر	
۰/۰۰۱	۶/۱۴	۲/۴۷	۰/۱۴	۰/۹۰۶	γ_{00}
۰/۰۲۹	۲/۳۷	۰/۴۹	۰/۲۹	-۰/۷۰	γ_{10}
۰/۰۴۱	۲/۸۷	۱/۳۰	۰/۱۲	۰/۲۶	γ_{20}
۰/۰۱۲	-۱/۶۱۵	۰/۹۹	۰/۰۰۳۷	۰/۶۱	γ_{21}
۰/۰۳۳	-۲/۹۹۹	۰/۹۴	۰/۰۵۲	-۰/۵۲	γ_{22}
۰/۰۳۲	۲/۳۰۲	۱/۲۹	۰/۱۱۳	۰/۲۶	γ_{30}
۰/۰۴۹	۲/۳۶۸	۱/۰۴	۰/۱۲۶	۰/۱۶	γ_{40}
برآورد مؤلفه واریانس					
مقدار معنی‌داری	کای اسکوئر	درجه آزادی	مؤلفه واریانس	انحراف استاندارد	
۰/۰۴	۲۸/۲	۱۸	۰/۲۶۷	۰/۵۱۷	μ_0
۰/۰۱۷	۲۳/۵	۱۸	۰/۵۲۳	۰/۷۲۳	μ_1
۰/۰۰۱	۲۱/۸	۱۶	۰/۱۰۱	۰/۳۱۸	μ_2
۰/۰۰۳	۲۰/۵	۱۸	۰/۰۵۱	۰/۲۲۶	μ_3
۰/۰۰۴	۱۸/۷	۱۸	۰/۰۵۱	۰/۲۲۷	μ_4
برآورد پایایی ضرایب					
				۰/۷۱۷	β_0
				۰/۶۶۱	β_1
				۰/۵۳۴	β_2
				۰/۶۹۸	β_3
				۰/۵۷۲	β_4

نتیجه‌گیری

ماندگاری جوانان در روستاها مسلماً یکی از عوامل اصلی پایداری روستاهاست. حفظ این نیروی عظیم و سرمایه انسانی در روستاها باعث کارآفرینی و اشتغال‌زایی و در نتیجه رونق و توسعه مناطق روستایی می‌گردد. جوانان در

ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از کودکان و بزرگسالان متمایز هستند. دوران جوانی مرحله طلایی چرخه زندگی انسان‌ها بوده و در این دوره افراد به نسبت خلاق‌تر، ریسک‌پذیرتر، توانمندتر و پی‌گیرتر هستند. یکی از مشکلاتی که دامن‌گیر کشورهای درحال توسعه از جمله جامعه ایران شده است، مهاجرت جوانان روستایی به مناطق شهری است. این امر موجب شده است مناطق روستایی از میزان سالخوردگی بالاتری نسبت به مناطق شهری برخوردار باشد. مقاله حاضر نیز در راستای نشان دادن تعیین‌کننده‌های نگه‌داشت جوانان در مناطق روستایی شهرستان اهر تدوین یافته است.

در مورد نوع کارآفرینی در مناطق روستایی، می‌توان به دو مدل؛ کارآفرینی فردی برپایه ارتباط متقابل عوامل شخصی، اهداف فردی و محیط فردی (مهارت، دانش و تجربه) و مدل ترکیب سرمایه‌ها در قالب سرمایه انسانی، سرمایه محیطی و سرمایه مالی (چامبرز و شاو^۱، ۲۰۰۴) استناد کرد. منظور از سرمایه انسانی همان دانش فنی، تحصیلات، دانش مرتبط با کار، شایستگی مرتبط با کار، روحیه کارآفرینی، توانایی‌های مربوط به نوآوری و اثرگذار بودن قابلیت تغییر یا انعطاف‌پذیری و شایستگی حرفه‌ای است (پتی و گودری^۲، ۲۰۰۰). شهرستان اهر با داشتن نیروی جوان روستایی زیاد، پتانسیل مناسبی برای سرمایه‌گذاری در زمینه کارآفرینی و اشتغال در مناطق روستایی دارد. ولی نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که بیش از دو سوم جوانان روستایی این شهرستان تمایل دارند روستای خود را به مقصد شهر ترک نمایند. در زمینه ماندگاری در مناطق روستایی، گزینش‌های معنی‌داری در بین جوانان با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف و نیز ویژگی‌های ساختاری روستاها وجود دارد. با وجود اینکه مطالعه در مورد جوانان صورت گرفته است، جوانان زیر ۲۵ ساله بیشتر از ۲۵ ساله به بالا تمایل به ترک روستا دارند. همچنین، مجردها بیشتر از متأهل‌ها و جوانان دیپلمه و دارای تحصیلات دانشگاهی بیشتر از سایر سطوح تحصیلی تمایل به مهاجرت به شهر دارند. همچنین، وجود آشنا در شهر و میزان ارتباط بالا با شهرها در تشدید تمایل به مهاجرت به شهر مؤثر است. این موارد به خوبی نشان می‌دهد که در جریان‌های مهاجرت از روستاها به شهرها، این جریان سرمایه انسانی است که از روستاها به شهرها منتقل می‌شود. دقیق شدن در وضع اشتغال و نیز مهارت‌های شغلی جوانان نشان می‌دهد که با ایجاد اشتغال و نیز آموزش مهارت‌های شغلی کشاورزی (زراعت، دامداری و باغداری) برای جوانان روستایی، می‌توان از احتمال مهاجرت آنان کاست. آموزش مهارت‌های فنی و ساختمانی برای جوانان روستایی زمینه‌ساز مهاجرت آنان از روستاست، چون که مناطق روستایی جوابگوی این نوع نیازهای شغلی نیست. درحالی‌که کشاورزی مدرن و تغییر شغلی جوان پسند در اقتصاد کشاورزی (همانند جایگزینی زنبورداری به جای دامپروری سنتی) می‌تواند در نگه‌داشت جوانان روستایی مؤثر باشد.

نگران‌کننده‌ترین جای بحث اینجاست که تمایل به مهاجرت در روستاهای کم جمعیت و نیز روستاهایی که امکانات و تسهیلات رفاهی کمتری دارند، بیشتر است. مهاجرت از این نوع روستاها نتیجه‌ای جز تخریب و خالی از سکنه شدن روستاهای زیادی نخواهد داشت. این مسئله جمعیتی، اجتماعی و توسعه‌ای بسیار مهمی است که بایستی

1- Chambers and Shaw

2- Petty and Guthrie

در راستای نگه داشت جوانان در این نوع از روستاها با برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهتری عمل نمود. مسلم است که این نوع روستاها از نقاط مهم جهت کارآفرینی و ایجاد اشتغال است؛ بنابراین، در زمینه ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای این مناطق روستایی بایستی به تعیین کننده‌های تمایل به مهاجرت جوانان از این مناطق روستایی توجه نمود. مجموعه مباحث برآمده از این مقاله رابطه علی-معلولی (چرخشی) بین ماندگاری جوانان در مناطق روستایی و ایجاد کارآفرینی و اشتغال در این مناطق را به خوبی نشان می‌دهد. بطوریکه، با ماندگاری جوانان در روستاها زمینه اصلی کارآفرینی و اشتغال در روستاها ایجاد شده و با توسعه کارآفرینی و اشتغال در روستاها جوانان جذب مبداهای خود شده و حضورشان در روستاها ماندگارتر می‌گردد. سوانسون و همکارانش اهداف برنامه‌های مؤثر و کارآمد ترویجی برای جوانان روستایی را در چهار سر فصل عمده ایجاد و رشد رهبری، تقویت هویت و تعلق به محل زندگی خود، ایجاد و توسعه ویژگی‌های شخصیتی مناسب و ایجاد مهارت‌های لازم برای اشتغال مناسب مقوله‌بندی کرده‌اند (باقری و شهبازی، ۱۳۸۲).

منابع

ارشاد، ف. ۱۳۸۰. مبانی نظری فرار مغزها برحسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی. انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۴۳-۶۰: ۵.

ارشاد، ف. و حزب‌وی. ع. ۱۳۸۴. بررسی برخی انگیزه‌های تمایل به برون کوچی در شهر اهواز. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲۶(۲): ۱۰۷-۱۲۰.

باقری، ا. و شهبازی، ا. ۱۳۸۲. عوامل تعیین‌کننده نیازهای آموزشی جوانان روستایی برای بهره‌برداری پایدار از مزارع برنج (مطالعه موردی: شهرستان آمل - مازندران). مجله علوم کشاورزی ایران، ۳: ۷۱۱-۷۲۱.

راغفر، ح. و قاسمی اردهایی، ع. ۱۳۸۸. علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی - اقتصادی مهاجران بین شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایران طی دهه‌های ۸۵-۱۳۷۵، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۸: ۳۹-۶۱.

سعیدی کیا، م. ۱۳۸۵، اصول و مبانی کارآفرینی، تهران: انتشارات کیا، ۳۰۴ص.

شعبانلو، ر. ۱۳۸۰. بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

طاهرخانی، م. ۱۳۷۹. صنعتی شدن روستاها. چاپ اول. تهران: انتشارات وزارت جهاد سازندگی.

طاهرخانی، م. ۱۳۸۰. تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا شهری. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۶(۳): ۶۷-۹۳.

طاهرخانی، م. ۱۳۸۱. بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی

استان قزوین. مجله مدرس، ۶(۲): ۴۱-۶۰.

قاسمی اردهایی، ع. ۱۳۸۵. بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۹). فصلنامه روستا و توسعه، ۹(۱): ۸۰-۵۰.

قاسمی اردهایی، ع. (۱۳۹۲). شبکه‌های اجتماعی و جابجایی جمعیت: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران، رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

قدیری م، یوسفی، م. و اکبرپور، م. ۱۳۹۱. تعارض روستاگریزی جوانان با روند توسعه روستایی: مطالعه موردی دهستان دیزمار غربی شهرستان جلفا. پژوهش‌های روستایی، ۲: ۹۷-۱۱۷.

علوی‌زاده، ا. و میرلطفی، م. ۱۳۹۲. نقش اقتصاد غیر زراعی بر ماندگارسازی روستائیان در مناطق روستایی شهرستان سمیرم. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳(۱۰): ۷۱-۸۲.

غفاری، ر. و ترکی هرچگانی، م. ۱۳۸۹. تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی به شهر (مورد پژوهی: روستای صادق آباد از توابع بخش سامان در استان چهارمحال و بختیاری). فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۳۲: ۹۱-۱۰۲.

رضایی، م.، حیاتی، د. و زمانی، غ. ۱۳۹۲. بررسی انگیزه روستاییان به منظور ماندگاری در روستا (مطالعه موردی: روستای قطرویه شهرستان نی ریز). اولین همایش ملی الکترونیکی کشاورزی و منابع طبیعی پایدار، تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند، گروه ترویجی دوستداران محیط زیست، ۱۰ بهمن ۱۳۹۲.

مطیعی لنگرودی، ح.، رضوانی، م.، نوربخش، م. و اکبرور سرانسکار، م. ۱۳۹۲، «تعیین راهبرد مناسب بر ماندگاری جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی دهستان سلوک شهرستان هشتگرد)». فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۴۲: ۸۳-۹۶.

یوسف نیا، م. ۱۳۸۵. بررسی ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی ماندگاری جوانان در روستا: مطالعه‌ی موردی روستای بند ازبک از توابع شهرستان تربت حیدریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی.

Bhandari, P. 2004. Relative Deprivation and Migration in an Agricultural Setting of Nepal. *Population and Environment*, 25(5): 475-499.

Bilsborrow, E. 1996. Migration urbanization and development: direction and issues, United Nations Fund Publishers, 26 p.

Chambers, E. J. and Shaw, S. E. 2004. A Primer on Western Canadian Entrepreneurship,

Edmonton: University of Alberta. The Western Centre for Economic Research.

DeJong, G. 2000 "Expectations, Gender and Norms in Migration Decision-making." *Population Studies*, 54(3): 307-319.

Pessino, C. 1991. "Sequential Rom Peru Migration Theory and Evidence" *Development Economics*, 36: 55-87.

Petty, R. and Guthrie, J. 2000. Intellectual capital literature review: measurement, reporting and management., *Journal of Intellectual capital*, 1(2): 155-176.

Raudenbush, S. and Bryk, A. 2002, Hierarchical linear models: Applications and data analysis methods (second edition), *Thousand Oaks*, Sage.

Stark. O. and Bloom, D. 1985. The New Economics of Lobar Migration American Economic Reviw. *Frontiers in Demographic Economics*, 75(2): 173-178.

Sumberg, J. 2006. Establishing a national framework for enabling small commodity producers' integration into supply chains. Paper prepared for the UNCTAD Expert Meeting Enabling Small Commodity Producers in Developing Countries to Reach Global Markets, 11-13.

Youth retention in rural areas, a prerequisite for sustainable rural entrepreneurship and employment

Ali Ghasemi Ardahae¹, Reza Noubakht^{2*} and Nayereh Rostami³

Submitted: 26 November, 2016

Accepted: 21 June, 2017

Abstract

Entrepreneurship and sustainable rural employment are the main concerns of rural planners. One of the most basic requirements for this is that young people remain in the rural areas. Accordingly, the aim of this paper is to identify individual and structural factors that are effective in keeping young people in rural areas. Statistical results of the bivariate and multilevel modeling (HLM) shows that rural youth are not willing to stay in rural regions. One may cite the following individual factors contributing to this lack of interest in staying in rural areas: age, marital status, education, communication with relatives in the city, as well as employment status and job skills. People with higher human capital who have technical skills and building related non-agricultural skills are not interested in staying in rural areas. Moreover, the increased population in the villages and lack of social welfare facilities in village are highly effective in reducing the tendency of young people to stay in the villages.

Keywords: Entrepreneurship, employment, rural youth, youth retention, human capital.

1 -Assistant professor, pnu university.

2 - instructor of social science, pnu University

3 - MA of sociology and lecturer pnu University

(*-Corresponding author E-mail: rznobakht@gmail.com)